



The concept of honor in Islamic jurisprudence and law

samad behrouz (Corresponding Author)

Department of Islamic Studies, Faculty of Theology, University of Tabriz
s.behrouz@tabrizu.ac.ir

ahmad mortazi

Associate Professor, University of Tabriz
a.mortazi@tabrizu.ac.ir

hadi jafari

Master of Islamic Law, Allameh Tabatabai University
Jafari.hadi@yahoo.com



Use your device to scan
and read the article online

Citation samad behrouz, ahmad mortazi, hadi jafari. [The concept of honor in Islamic jurisprudence and law (Persian)]. [Islamic Law \(A Quarterly Journal of Law\)](#). 2025; 22 (84): 183-211

Received: 01 July 2022 , Accepted: 21 November 2023

Abstract

The term honor, despite its common use, in jurisprudence and Islamic legal texts and Iranian laws, a single and clear concept of it has not been presented, which causes ambiguity in determining the rights and duties of individuals; Because abbreviating words naturally also summarizes the sentence, and as a result, applicable rules may be disturbed and not implemented due to the abbreviation of one of the words and its ambiguity. This article aims to conceptualize and examine the different uses of honor in Islamic jurisprudence and legal texts and Iranian laws in a descriptive-analytical way. By examining the various uses of this term in the mentioned texts, this research has come to the conclusion that there is no comprehensive and specific definition of the range of people that this term includes, but it is certain from the examination of the various uses that it is applied to relatives. The relative and causal females of a person such as a person's wife, mother, sister and daughter; Although in some applications, it is also applied to male relatives, but its inclusive circle has not been specified in detail. Also, the meaning of the concept of defamation is an illicit sexual act; However, in some applications, other behaviors such as touching out of lust and even inappropriate sexual relationships with people are also considered as dishonor.

Keywords

Honor, relative and causal relatives, defense of honor, violation of honor





شېرشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پر تال جامع علوم انسانی



مفهوم شناسی ناموس در فقه و حقوق اسلامی

صمد بهروز (نویسنده مسئول)

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز

s.behrouz@tabrizu.ac.ir

احمد مرتاضی

دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تبریز

a.mortazi@tabrizu.ac.ir

هادی جعفری

ارشناس ارشد حقوق اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی

Jafari.hadi@yahoo.com



Use your device to scan
and read the article online

Citation samad behrouz, ahmad mortazi, hadi jafari. [The concept of honor in Islamic jurisprudence and law (Persian)]. *Islamic Law (A Quarterly Journal of Law)*. 2025; 22 (84): 183-211

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۳۰

چکیده

اصطلاح ناموس، با وجود کاربرد شایع آن در متون فقهی، حقوقی اسلام و قوانین ایران، مفهوم واحد و روشنی از آن ارائه نشده که این امر، موجب ابهام در تعیین حقوق و تکالیف افراد می‌گردد. این مقاله در صدد مفهوم‌شناسی و بررسی کاربردهای مختلف ناموس، در متون فقهی، حقوقی اسلام و قوانین ایران به روش توصیفی- تحلیلی است. این پژوهش با بررسی کاربردهای مختلف این اصطلاح، در متون مذکور، به این نتیجه رسیده که تعریف جامع و مشخصی درباره محدوده افرادی که این واژه شامل آنها می‌شود، وجود ندارد، ولی قدر متیقن از بررسی کاربردهای مختلف، اطلاق آن، به بستگان اناث نسبی و سببی فرد از قبیل همسر، مادر، خواهر و دختر فرد است؛ گرچه در برخی کاربردها، به بستگان ذکور نیز اطلاق گردیده است، اما دایره شمولی آن نسبت به بستگان به صورت دقیق مشخص نشده است. هم- چنین قدر متیقن از مفهوم اصطلاح هتک ناموس، عمل نامشروع جنسی است؛ گرچه در برخی کاربردها، رفتارهای دیگر از قبیل ملامسه از روی شهوت و... و حتی نسبت‌های ناروای جنسی به افراد نیز هتک ناموس تلقی شده است.

واژگان کلیدی

ناموس، بستگان نسبی و سببی، دفاع از ناموس، هتک ناموس.



مقدمه

یکی از واژگان به کار رفته در متون فقهی و حقوقی و قوانین موضوعه ایران، که با وجود نامشخص بودن مفهوم و قلمرو شمول و مصادیق آن، نه در میان فقها و متقدمان و نه در میان حقوقدانان و متأخران، بحث مفصل و شایسته‌ای در مورد آن صورت نگرفته، واژه ناموس است و این امر، موجب بروز تفاوت و در برخی موارد، تناقض در برداشت از مفهوم و تعیین قلمرو آن شده که تبعات حقوقی و قانونی خاص خود را دارد و ضرورت تبیین دقیق مفهوم و قلمرو آن را اقتضا می‌کند؛ زیرا ذکر کلماتی که معنای دقیق و صریحی ندارد، از صراحت و روشنی قانون می‌کاهد و ضرورت استفاده از کلمات و اصطلاحات صریح به هنگام نگارش مواد قانونی، در قوانین کیفری که با جان مردمان ارتباط دارد، دوچندان است. البته شاید فقها و حقوقدانان آن را از بدیهیات دانسته و نیازی به تبیین و تعریف آن ندیده‌اند، اما با بررسی نظرات و برداشت‌های صاحب نظران از این واژه، روشن می‌شود، نه تنها بدیهی نیست، بلکه در برخی موارد، باورهای متناقضی در این خصوص وجود دارد که نیاز به تتبعی جامع را اقتضا می‌کند.

سؤال اصلی پژوهش، این است که مفهوم دقیق واژه ناموس و قلمرو آن چیست و شامل چه مصداق یا مصادیقی می‌شود؟ آیا واژه ناموس صرفاً به بستگان اناث نسبی و سببی فرد اطلاق می‌شود یا بستگان ذکور را نیز در بر می‌گیرد. کدامیک از بستگان و تا چه طبقه و درجه از قرابت، مشمول قلمرو ناموس می‌شوند؟ آیا می‌توان گفت تمامی اشخاصی که خطری، متوجه آنان است و انسان، ناخودآگاه و به صورت غریزی به سمت حمایت و دفاع از آنان کشیده می‌شود، ناموس او محسوب می‌شوند؟ در تفسیر وسیع‌تر آیا می‌توان تمامی افرادی را که به نوعی، علقه مشترک (دین، زبان، وطن و ... مشترک) با یکدیگر دارند، ناموس یکدیگر قلمداد کرد؟ آیا می‌توان مدعی شد که عرفاً نمی‌توان مفهوم و قلمرو مشخصی برای این واژه تعریف نمود

و بسته به محل استفاده، تمامی تعابیر فوق را می‌توان صحیح تلقی کرد؟ ضرورت این بحث از آن جهت است که می‌تواند آثار کاربردی متعددی داشته‌باشد و مهم‌ترین ثمره آن، در موضوع دفاع مشروع از ناموس عینیت می‌یابد که یکی از استثنائات در خصوص لزوم مجازات مرتکبین جنایات محسوب می‌شود و با استناد به آن می‌توان شخصی را که مرتکب قتل شده، از مجازات نجات داد، مانند زنی که در مقام دفاع از پسر ۱۲ ساله خود که مورد تعرض قرار گرفته، فرد مهاجم را به قتل برساند و برای اباحه عمل خود، به ناموس بودن شخص مورد حمله برای خود و لزوم دفاع مشروع از ناموس استناد کند.

از دیگر آثار کاربردی آن، در موضوع محاربه است که به حکم ماده ۲۷۹ ق.م.ا عبارت است از «کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها» که در آنجا نیز همین سوال مطرح می‌شود. همچنین در موضوع کمک به دیگری در راستای حفظ مال، جان، عرض یا ناموس، که در ماده ۵۱۰ قانون فوق آمده، نامعلوم بودن مفهوم ناموس، قاضی را در صدور حکم صحیح، با مشکل مواجه می‌سازد؛ چرا که قدر متیقن از موارد کاربرد واژه ناموس در متون فارسی، بستگان اناث نسبی و سببی مرد است و در برخی کاربردها به بستگان ذکور نیز اطلاق شده‌است. همچنین، اصطلاح هتک ناموس، به عمل منافی عفت و گاه به امور دیگری از قبیل ملامسه از روی شهوت و... نیز اطلاق گردیده‌است. بدین ترتیب روشن می‌گردد که بحث ناموس در عمده منابع فقهی و حقوقی مطرح شده و قوانین و مقررات خاصی در مورد آن وضع شده‌است، اما مفهوم و قلمرو آن، به صورت دقیق مشخص نشده‌است.

یکی از موضوعات مرتبط با ناموس، موضوع دفاع مشروع است که در این زمینه مقالاتی نوشته شده و از جمله آنها مقاله «بررسی فقهی حکم قتل در مقام دفاع از ناموس یا ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی» است که به

تحلیل فقهی قانون مجازات اسلامی در مورد دفاع از ناموس و علت وضع این حکم پرداخته‌است. هم‌چنین «قتل در مقام دفاع»، عنوان مقاله دیگری است که در این خصوص چاپ شده و در آن، کشته‌شدن زن و مرد اجنبی توسط شوهر آن زن که به خاطر مشاهده آن مرد بیگانه در کنار همسرش، با وضع نامناسبی، آن دو را به قتل رسانده‌بود، از جهت قضایی و اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌است.

پایان‌نامه‌ای هم با عنوان «واکاوی جامعه شناختی مفهوم ناموس با تأکید بر کردستان» در دانشگاه تهران دفاع شده که در آن، مفهوم ناموس از نگاه زنان ۳۰ تا ۴۵ ساله سمنندجی، با توجه به دو عامل طبقه اجتماعی و تحصیلات، مورد بررسی قرار گرفته و پژوهشگر چنین نتیجه گرفته که ناموس، شکلی از نظام سلطه است که طبق آن، زن مشروعیت و جایگاه اجتماعی لازم را نداشته و در موقعیت فرودستی قرار می‌گیرد و از همین رو، خشونت‌های زیادی بر او اعمال می‌شود. مقاله‌ای نیز از همین نویسنده با عنوان «مفهوم ناموس و نقش آن در خشونت علیه زنان» نوشته شده که ظاهراً مستخرج از همین پایان‌نامه است و با وجود جستجوی زیاد، دسترسی به این مقاله امکان پذیر نشد.

وجه امتیاز این پژوهش نسبت به پژوهش‌های مشابه، در این است که به مفهوم-شناسی و تعیین قلمرو معنایی آن، در فقه و حقوق اسلامی پرداخته که در هیچ کدام از منابع فقهی و حقوقی و هم‌چنین مقالات یادشده، این کار صورت نگرفته‌است.

۱. مفهوم‌شناسی ناموس در منابع لغوی

ناموس، واژه‌ای عربی از ماده نمس است که در قاموس‌های عربی معانی متعددی برای آن ذکر شده‌است؛ برخی آن را به «صاحب سر» معنا کرده‌اند که انسان، او را از باطن امورش که از دیگران پنهان است، آگاه می‌گرداند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ج ۷، ص ۲۷۶/ جوهری، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۹۸۶/ اسماعیل

بن عباد و صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۳۴۶/ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۶۷۵۸) و یا از آن به «صاحب سرّ خیر» نقطه مقابل جاسوس که صاحب سرّ شر است، تعبیر کرده‌اند. بر فرشته مقرب خدا، جبرئیل نیز از آن جهت که خدای متعال، او را از وحی و غیب که بر دیگران پنهان است، آگاه می‌گرداند، «ناموس» یا «الناموس الاکبر» اطلاق شده است (فراهیدی، ج ۷، ص ۲۷۶/ ابن اثیر جزری، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۱۹/ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۲۴۴/ زمخشری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶۰/ فیومی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۲۶/ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۸۱/ طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۲۰/ سعدی، ۱۴۰۸، ص ۶۳). این اطلاق توسط شخص پیامبر اعظم (ص) نیز صورت گرفته است (رضی، ۱۳۸۰، ص ۲۱۷).

هم‌چنین به تعبیر طریحی، از صحیفه‌ای که دیوان شیعه در آن قرار دارد، نیز تعبیر به ناموس شده است؛ چنان‌که در حدیثی آمده که «یا فلان هات الناموس...»؛ ناموس را بیاور، و آن شخص، صحیفه بزرگی را می‌آورد که طریحی از این عبارت استفاده می‌کند مراد از ناموس در اینجا، صحیفه‌ای است که دیوان شیعه در آن است و اسامی شیعه و پدران‌شان، در آن صحیفه قرار دارد (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۱۱۹). در برخی قاموس‌های فارسی نیز، واژه ناموس را به معنای: ۱- شرع و دین و احکام الهی؛ ۲- قاعده، دستور و قانون (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۴۹، ص ۲۳۷) دانسته‌اند، هرچند به نظر می‌رسد بیان معنای «ملائکه» برای ناموس (دهخدا، ۱۳۴۲، ج ۴۹، ص ۲۳۷)، ناشی از اشتباه در برداشت، از مفهوم لقب جبرئیل است که او را ناموس اکبر خوانده‌اند. هم‌چنین در برخی قاموس‌های دیگر، معانی زیر برای آن بیان شده است: ۱- قانون و شریعت الهی؛ ۲- آبرو و نیک نامی؛ ۳- عصمت و شرف (معین، ۱۳۹۲، ج ۶، ص ۴۱۱). در باب‌های گوناگون فقهی از آبرو به ناموس تعبیر شده است، مانند باب طهارت، صلاة، حج، جهاد و تجارت (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۸۳).

۲. مفهوم‌شناسی و مصداق‌شناسی ناموس در روایات شیعی

در روایات شیعی، از حجت خدا تعبیر به ناموس شده است؛ چنان‌که ابوبصیر، امام باقر (ع) را با وصف ناموس دهر توصیف کرده است «أَلَا إِنَّ هَذَا... نَامُوسُ الدَّهْرِ» (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۴، ص ۱۸۳/ بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۱۳۲). در برخی از زیارات امام علی (ع) نیز، از آن حضرت، تعبیر به ناموس دهر شده است «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ خَيْرُ الدَّهْرِ وَنَامُوسُهُ» (حائری مشهدی، ۱۴۱۹، ص ۲۴۵) چنان‌که روایات متواتر از اهل بیت (ع)، امام زمان (عج) را ناموس عصر توصیف می‌کند (عاملی استرآبادی، ۱۴۲۶، ص ۵۳۲). سیدبن طاووس نیز به این موضوع اشاره کرده است «أَنَّ إِمَامَ الزَّمَانِ نَامُوسَ الْعَصْرِ» (ابن طاووس حلی، ۱۴۲۹، ص ۵۲۰). این تعبیر، به لحاظ صاحب اسرار الهی بودن آن حضرت است. در مناظره بین امام علی (ع) و مرد یهودی، آن حضرت، ناموس حضرت موسی (ع) توصیف شده «أَشْهَدُ أَنَّكَ نَامُوسُ مُوسَى» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۸۳) که مراد وی، این بود که آن حضرت، صاحب سر حضرت موسی (ع) بود و از باطن امر او آگاه بود (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۶، ص ۴۴۲). هم‌چنین از زنان صالحی که حافظ اسرار، آبرو، ناموس، اموال و شؤون همسران خود هستند، تعبیر به «حَافِظَاتُ لُغَيْبٍ» شده است (نساء، ۳۴) (حسینی تهرانی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۱۶۹).

اطلاق ناموس، به حجت‌های الهی، به لحاظ حافظ اسرار الهی بودن آنها است و این، یکی از مصادیق ناموس است و از کاربردهای شایع ناموس در اسلام، بستگان اناث انسان است که این دین، برای آنها، جایگاه ویژه‌ای قائل است و حفظ ناموس خود و دیگران را در کنار حفظ دین، جان و مال، جزو واجبات دانسته و حتی دروغی را که جان، ناموس یا آبروی شخص محترمی را حفظ کند، نیکو شمرده (جناتی شاهرودی، بی‌تا، ص ۳۳۴) و در روایات اسلامی، در کنار دفاع از جان و مال، از کسی که در راه دفاع از ناموس

کشته شود، شهید تعبیر شده^۱ (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۶۸) و بلکه ارزش دفاع از ناموس، بالاتر از دفاع از جان و مال دانسته شده است؛ چرا که دفاع از ناموس، دفاع از شرافت است (مطهری، بی تا، ج ۲۰، ص ۲۴۱) و ارباب مردم و سلب امنیت از زندگی، مال و ناموسشان، محاربه و افساد در زمین تلقی شده و مشمول اطلاق آیه (مائده، ۳۳)^۲ و روایاتی دانسته شده که در مورد افساد در زمین نقل شده (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، ص ۳۰۸) و کشتن کسی که به ناموس انسان، تجاوز کند، مباح دانسته شده است؛ چنان که در روایت نبوی آمده: «الدَّارُ حَرَمٌ فَمَنْ دَخَلَ عَلَيْكَ حَرَمُكَ فَاقْتُلْهُ» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۸۵). اهمیت این موضوع تا آنجا است که اسلام، حتی حفظ ناموس غیر مسلمانان را نیز در کنار حفظ جان و مال آنها، در قبال دریافت جزیه، جزو وظایف حکومت اسلامی می داند (منتظری، ۱۴۰۶، ج ۸، ص ۴۰۵).

از تحلیل روایات روشن می شود در هیچ یک از روایات فقهی، اثری از کاربرد واژه ناموس، مشاهده نمی گردد و تنها در ادبیات برخی فقیهان می توان کاربرد این واژه را یافت. این نکته، حاکی از آن است که در خصوص معنای واژه ناموس، حقیقت شرعیه و یا حتی متشرعه، وجود ندارد و در مقام درک معنا، می بایست به حقیقت لغوی آن مراجعه نمود.

۳. مفهوم شناسی و مصداق شناسی ناموس در عبارات فقها و برخی ابواب فقهی

بین معنای بیان شده برای ناموس در قاموس های مشهور عربی و کاربرد آن در عبارات و اصطلاحات فقها تفاوت چشم گیری وجود دارد. مهم ترین مفهوم مشترکی که از بررسی قاموس های عربی از این واژه می توان به دست آورد، معنای «حافظ سر بودن» است. ناموس مرد را حافظ سر وی معنا

۱. قد أطلقت الشهادة في الأخبار على المقتول دون أهله و ماله...

۲. «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ جِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»

کرده‌اند. اما در کتب فقهی قدیم و جدید، این واژه، در کاربرد رایج در عرف زبان فارسی و حتی عرف حقوق‌دانان (بستگان اناث نسبی و سببی مرد) به کار برده شده است.

اصطلاح ناموس، چندان در عبارات فقه‌های قدیم به چشم نمی‌خورد و آنها به جای اصطلاح «دفاع از ناموس» عمدتاً معادل آن، (اصطلاح «دفاع از حریم یا حرم») را به کار برده‌اند، بدون این که محدوده آن را به صورت مشخص بیان کنند. به عنوان مثال علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی، حر عاملی، فاضل هندی و نجفی (صاحب جواهر)، دفاع از نفس و حریم (یا حرم) را به مقدار استطاعت واجب دانسته و تسلیم را در صورت در معرض خطر قرار گرفتن این امور، جایز نمی‌دانند. (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۱/ عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۹/ عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۳، ج ۱۵، ص ۵۰/ حر عاملی، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۴۶۰/ فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۶۴۹/ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۶۵۳) و حتی برخی از این فقها، کسی را که در این راه کشته شود، مانند شهید می‌دانند (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۵۷۱). فاضل هندی در توجیه وجوب این حکم، به دلیل عقلی وجوب دفع ضرر و نهی از منکر، با رعایت مراتبش و روایتی که امام صادق (ع) از پدر بزرگوارش امام باقر (ع) نقل فرموده (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱۰، ص ۱۳۶)،^۱ اشاره می‌کند (فاضل هندی، ۱۴۱۶، ج ۱۰، ص ۶۴۹) که آن حضرت، در این روایت، دفاع از مال و حریم خانه را در صورت در معرض تجاوز قرار گرفتن آنها، واجب می‌داند.

اما در عبارات برخی فقه‌های متاخر و معاصر، این واژه، در برخی ابواب فقه به کار برده شده است. شیخ انصاری بر این باور است از زن، خواهر، مادر و دختر انسان، تعبیر به ناموس می‌شود. (دزفولی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۸۰)

۱. إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ اللَّيْثُ يُرِيدُ أَهْلَكَ وَ مَالَكَ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْذُرَهُ وَ تَضْرِبَهُ فَأَبْذُرْهُ وَ اضْرِبْهُ وَقَالَ: اللَّيْثُ مُحَارِبٌ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ فَأَقْتُلْهُ فَمَا مَسَكَ مِنْهُ فَهُوَ عَلَى.

برخی فقها دایره ناموس را گسترده‌تر دانسته و بر این باور هستند که در اطلاق ناموس، فرقی بین زن، دختر، خواهر، مادر و پسر و امثال آنها نیست (منتظری، بی‌تا، ص ۱۳۶). برخی دیگر از فقها محدوده آن را توسعه داده و بر این باور هستند که این واژه، علاوه بر موارد یادشده، حتی پسرانسان و هر کسی را که با او مرتبط است، در برمی گیرد و آنها را نیز می‌توان ناموس وی تلقی کرد (حسینی تهرانی، ۱۴۰۱، ج ۴، ص ۱۸۶). از همین رو حفظ حرمت نفوس و نوامیس مسلمانان را بر عهده حاکم شرع می‌دانند (حسینی تهرانی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۸۶). فاضل لنکرانی از فقهای معاصر، در جامع‌المسائل خود آورده: «اگر کسی به خود انسان، یا ناموس، یا خویشان و بستگان انسان، یا به مسلمانی دیگر به قصد کشتن یا تجاوز، هجوم آورد، بر انسان واجب است به هر نحو که ممکن است دفاع کند، هر چند منجر به کشتن مهاجم شود؛ بلکه واجب است انسان از ناموس مسلمانان دیگر هم دفاع کند.» (فاضل موحدی لنکرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۷۹-۴۸۰) اما وی همانند بسیاری از فقهای دیگر، محدوده شمولی این واژه را روشن نکرده و دفاع از خویشان و بستگان انسان را در کنار دفاع از ناموس مطرح کرده‌است. در برخی ابواب فقهی، واژه ناموس به کاربرده شده که در این قسمت به دو نمونه اشاره می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز تحقیقات حقوقی و علوم انسانی

۳-۱. شرط استطاعت زن برای رفتن به حج

برخی فقها امنیت ناموس زن را از جمله ارکان استطاعت زن در سفر حج دانسته و در صورت عدم امنیت ناموس زن، حج را بر وی واجب نمی‌دانند. امام خمینی (ره) در قالب مسأله ۳۱، همراه بردن محرم را در سفر حج، بر زن مستطیع، در صورتی که نسبت به خود و ناموسش در امان باشد، شرط نمی‌داند و در غیر این صورت لازم می‌داند (خمینی، ۱۴۲۲، ص ۲۱۰). وی، ناموس را در مفهومی متفاوت از مفهوم عرفی آن، و به معنای حیثیت، آبرو و پاکدامنی زن به کاربرده‌است.

برخی فقها نیز برای استطاعت حج، چند رکن قائل هستند که امکانات مالی و امتیّت، از جمله آن است و مراد از امنیت را سلامتی انسان و مال و ناموسش در مسیر رفت و برگشت به حج و حین انجام مناسک می‌دانند (فیاض کابلی، ۱۴۲۶، ص ۹).

۲-۳. بیتوته در منا در اعمال حج

برخی فقها از جمله موارد معاف از بیتوته در منا در شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه در حج تمتع را ترس بر خود یا ناموس فرد، بر اثر ماندن در منا می‌دانند؛ به گونه‌ای که بر اثر ماندن در منا بر خود، ناموس یا اموالشان بترسند (مرتضوی لنگرودی، ۱۴۲۳، ص ۳۱۱).
در این عبارات فقها، گرچه واژه ناموس به کار برده شده، اما مبهم است و در هیچ کدام از آنها به محدوده و قلمرو معنایی آن اشاره نشده است.

۴. مفهوم‌شناسی و کاربرد ناموس در منابع حقوقی

در منابع حقوق جزای عمومی و اختصاصی که انتظار می‌رود به دلیل استعمال آن در مواد ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۷۹ و ۵۱۰ قانون مجازات اسلامی، محل پرداختن و کنکاش دقیق واژه ناموس باشد، اشارات بسیار مختصری در مورد آن وجود دارد که به ذکر مهم‌ترین این منابع پرداخته می‌شود:
در کتاب «جرایم علیه اشخاص» آمده:

تعرض به عرض را می‌توان عمل منفی عفت، پایین‌تر از هتک ناموس دانست؛ از قبیل بوسیدن، در آغوش کشیدن، لمس کردن اعضای بدن و غیره. از سوی دیگر می‌توان تعرض به ناموس را عبارت از هرگونه عمل منفی عفت و تعرض به عرض را عبارت از هرگونه عملی که موجب آبروریزی طرف مقابل شود، دانست. (میر محمدصادقی، ۱۳۸۹، ص ۳۲۷)
در این عبارت گرچه هتک ناموس تعریف شده، اما خود واژه ناموس و دایره شمولی آن، مشخص نشده است.

در کتاب «حقوق جزای عمومی» مراد از ناموس، عفت خود انسان و یا عصمت خانوادگی او دانسته شده و چنین آمده است: «تعرض به ناموس یعنی لکه دار کردن دامن عفت و حتی عصمت انسان، و در اصطلاح، هر نوع فعل اعم از ملامسه و برقرار کردن رابطه نامشروع جنسی، تعرض به ناموس محسوب می شود» (اردبیلی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۰۶). در این کتاب نیز صرفاً به تعریف هتک ناموس پرداخته شده و آن را به اعم از برقراری رابطه جنسی معنا کرده، اما از دایره شمولی واژه ناموس، سخنی به میان نیامده است.

در کتاب «زمینه حقوق جزای عمومی» ناموس به معنای «شرف و عصمت» به کار رفته است. نوربها معتقد است این کلمه در معنای عام خود نباید به کار گرفته شود؛ بلکه معنای خاص آن مورد توجه بوده است. وی گفتن ناسزا به دیگری را که عرف این گونه ناسزاها را ناموسی نمی داند، تجاوز به ناموس، به معنای خاص کلمه نمی داند و همانند اکثر حقوقدانان، تجاوز به ناموس را تا حدود زیادی، امری اعتباری می داند و بر این باور است که با توجه به خصوصیات نژادی - قومی و آداب و رسوم، ممکن است مصادیق مختلف داشته باشد. از همین رو، وی معتقد است ماهیت تجاوز، باید در مفهوم عرفی آن، در تمام موارد مورد توجه قرار گیرد. (نوربها، ۱۳۸۷، ص ۲۹۲) در این کتاب نیز، گرچه ناموس به معنای شرف و عصمت، در نظر گرفته شده، اما همانند منابع پیشین، محدوده شمول آن بیان نشده است.

گلدوزیان بر این باور است که کلمات «عرض» یا «ناموس» در قانون مجازات اسلامی، به صورت مترادف به کار برده شده، ولی با توجه به مفاهیم عرفی این دو واژه، می توان گفت مقصود از عرض، آبرو و شرافت و حیثیت خانوادگی و اجتماعی و منظور از ناموس، زنان خانواده و وابسته به فرد و رعایت حقوق و حرمت آنان از نظر موازین اخلاقی و مذهبی است. از نگاه وی، تعرض به عرض، از طریق جریحه دار نمودن شرافت و حیثیت فردی یا خانوادگی است و در اغلب موارد، از طریق نسبت دادن اعمال منافی

عفت صورت می‌گیرد و تعرض به ناموس، از طریق تجاوز به زنان خانواده، اعم از همسر، مادر، خواهر، دختر و لکه‌دار نمودن عفت و عصمت آنان صورت می‌گیرد، در عین حال که وی تعرض به برادر و پسر شخص را نیز تجاوز به ناموس تلقی می‌کند و در صورتی که شخصی، از طریق انجام اعمال منافی عفت، در صدد تجاوز به حرمت اخلاقی، اجتماعی و شرعی برآید و در این حالت از طرف شخصی که ناموسش در معرض تجاوز است، مورد قتل و جرح قرار گیرد، عمل دفاع‌کننده را مشروع می‌داند. (گلدوزیان، ۱۳۸۴، ص ۳۳۱) وی با این که ناموس را به زنان خانواده، معنا می‌کند، ولی در عین حال، تعرض به مردان، از قبیل پسر و برادر را نیز تجاوز به ناموس تلقی می‌کند و در هر صورت، مانند بسیاری از صاحب نظران، دایره شمولی ناموس را به صورت دقیق مشخص نمی‌کند.

در مقاله «بررسی فقهی حکم قتل در مقام دفاع از ناموس، یا ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی» (قانع‌ی راد، ۱۳۸۸، ص ۱۱۷) نیز هرچند در عنوان مقاله، عبارت «ناموس» به کار رفته، اما در متن مقاله، هیچ توضیح و تفسیری در خصوص معنای واژه مذکور ارائه نشده و ظاهراً نویسنده مقاله فوق نیز، همانند بسیاری از حقوق‌دانان و فقه‌های دیگر، معنای آن را واضح و بی‌نیاز از تعریف و تفسیر دانسته است. شایان ذکر است که در این مقاله، ناموس به معنای آبرو و حیثیت مرد به کار رفته است.

۵. کاربرد واژه ناموس در قوانین موضوعه ایران

مطالعه قوانین مختلف موضوعه ایران، چه قوانین قبل از انقلاب و چه قوانین بعد از انقلاب، ما را به این نتیجه منتهی می‌کند که واژه ناموس در قانون ایران نیز، در معانی متفاوتی به کار برده شده و این تفاوت، از اطلاق آن به اشخاص وابسته به فرد تا اعضای بدن و نیز حیثیت و آبرو گسترده است. شاید بتوان اولین کاربرد مفهوم ناموس در قوانین موضوعه ایران را مربوط

به قانون مطبوعات مصوب ۱۲۸۶/۱۱/۱۸، یعنی تنها یک سال پس از آغاز قانون‌گذاری نوین در ایران دانست که در ماده ۴۳ آن و در مقام بیان مطالب غیر قابل انتشار برای نشریات، به مرافعاتی اشاره شده که محکمه به خاطر حفظ ناموس، انتشار آن را منع کرده است.^۱ تاکید این ماده قانونی به حفظ ناموس از طریق عدم انتشار محتوای برخی مرافعات قضایی، قرینه‌ای است بر این که مقصود از ناموس در این ماده، «آبرو» می‌باشد.

در ماده ۹۴ قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلیحیه مصوب ۱۲۹۰/۴/۲۷ نیز برای به کار بردن الفاظی که موجب هتک عرض و ناموس طرف مقابل، توسط یکی از اصحاب دعوا در محاکم قضایی شود، مجازاتی تعیین کرده که در ماده ۹۳ این قانون، به آن اشاره شده است.^۲ از قراین پیدا است که مراد از هتک ناموس در اینجا، چیزی غیر از معنای مصطلح امروزی یعنی خود عمل منافی عفت است و ظاهراً مراد قانون‌گذار، فحاشی نسبت به اعضای خانواده فرد و استناد اعمال منافی عفت به آنها می‌باشد؛ چرا که در این ماده، هتک ناموس، از طریق هتاکی لفظی، مدنظر بوده است.

طبق ماده ۳۴ قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام، مصوب ۱۲۸۶/۹/۱۷، دستورالعمل‌های حاکم به اداره نظمیه، ضبطیه و غیره در حفظ نظم و امنیت، باید طوری روشن و موافق قوانین موضوعه باشد که مأموریت اداره نظمیه و ضبطیه، موجب اجحاف، تعدی و هتک ناموس نشود. به نظر می‌رسد مقصود از ناموس در این ماده، «آبرو» بوده و هتک ناموس

۱. ماده ۴۳: طبع و نشر مرافعاتی که محکمه برای حفظ ناموس نشر آن را منع کرده، مادامی که در محکمه علناً قرائت نشده است، ممنوع است، مرتکب ملتزم ملزم است که از پنج تومان الی دویست تومان مجانی دادنی باشد و مرتکب غیر ملتزم از یک ماه الی یک سال حبس می‌شود، ولی شکایت مدعی و حکم قضیه را در هر حال روزنامه حق انتشار دارد.

۲. ماده ۹۴: مفاد ماده قبل لازم‌الرعایه است. هم‌چنین در مواردی که یکی از اصحاب دعوا الفاظی استعمال کند که باعث هتک عرض و ناموس طرف مقابل است یا نسبت به طرف خود افشاء کند اوضاع و احوالی را که هیچ مربوط به قضیه که در تحت محاکمه است، نبوده و برای توضیح مطلب لزومی نداشته باشد.

به معنای هتک آبروی اشخاص، مورد لحاظ قرار گرفته است. در مواد ۴۱، ۱۸۸، ۲۰۸، ۲۰۹ و ۲۱۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴/۱۰/۲۳، به واژه ناموس اشاره شده بود و ماده ۴۱ مقرر می داشت هر کسی که به موجب ضرورت برای دفاع و حفظ نفس یا ناموس خود، مرتکب جرمی شود، مجازات نخواهد شد. طبق ماده ۱۸۸ نیز قاتل عمد، در مقام دفاع از نفس و عرض، با وجود شرایطی، از مجازات معاف خواهد بود که از جمله آن، دفاع از کسی است که در صدد هتک عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید. از این ماده قانونی، به قرینه تجویز دفاع مشروع منجر به قتل در موارد هتک ناموس، اراده معنای واقعه و تجاوز جنسی، از عبارت «هتک ناموس»، برداشت می شود.

قانونگذار ایران در ماده ۲۰۸ و ۲۰۹، بعد از عبارت «هتک ناموس»، در داخل پرانتز، واژه «واقعه» را آورده است و بنابراین، هتک ناموس را مترادف با واقعه دانسته و افزون بر این، در همان ماده ۲۰۸^۱، ناموس، به اعم از زن و مرد اطلاق شده، ولی محدوده آن، به لحاظ شمول افرادی، روشن نگردیده است. قانون یادشده، در ماده ۲۱۳ ورود موضوعی به ناموس نداشته، بلکه به لحاظ حکمی، مجازات ازاله بکارت را همسان با مجازات هتک ناموس مقرر داشته است.

در ماده واحده قانون اصلاح مواد ۲۰۷ تا ۲۱۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۱۲/۶/۲۹، در مواردی، به واژه ناموس اشاره شده است. در ماده ۲۰۷ و ۲۰۸، هتک ناموس به دو نوع همراه با تهدید و بدون آن تقسیم شده و حکم آن بیان شده است^۲ که تفکیک تهدید و عنف برای «هتک ناموس» از تهدید برای «غیر هتک ناموس» از یک سو و تعمیم مجازات تهدید

۱. ماده ۲۰۸: هر کس به عنف یا تهدید و اکراه هتک ناموس (واقعه) دیگری اعم از ذکور و اناث بنماید، جزای او حبس با اعمال شاقه است از چهار تا دوازده سال.

۲. ماده ۲۰۷: الف) هر کس به عنف یا تهدید هتک ناموس زنی را بنماید به حبس با اعمال شاقه از ۳ تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد و همین مجازات مقرر است درباره کسی که مرتکب لواط شود.

جهت هتك ناموس زن به هتك ناموس مرد، از سوی دیگر، در این مواد اصاحی؛ قرینه‌ای است قاطع بر اینکه مراد از «هتك ناموس» در این ماده، فقط «مواقعه» است و مقصود از «ناموس»، عورت به معنای خاص آن یعنی قُبُل و دُبُر، است.

در ماده ۵ قانون ثبت عمومی املاك و مرور زمان مصوب ۱۳۰۶/۱۱/۲۱، نیز واژه ناموس، به کار برده شده و به خطر تهدیدگر ناموس، اشاره کرده است و ظاهراً در مقام بیان شمول افرادی ناموس بوده، ولی افراد و مصادیق را به صورت کامل و دقیق مورد تصریح قرار نداده است. در ماده ۲۳۲ قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷/۴/۳۰ نیز، مجازات هتك ناموس نظامی، توسط نظامی دیگر، بیان شده، اما مراد از هتك ناموس، مشخص نشده است، ولی ظهور در نزدیکی جنسی و واقعه دارد.

شایان ذکر است که کاربرد ناموس محدود به قوانین جزایی نمی شود و در بخش سوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۴/۸/۸ نیز در مبحث مربوط به بیان اشخاص ممنوع از قیمومت، به کار رفته است. مطابق ماده ۱۲۳۱ این قانون، از جمله افراد ممنوع از قیمومت، کسانی هستند که به علت ارتکاب هتك ناموس یا منافیات عفت، به حکم قطعی محکوم شده باشند. در ماده ۱۲۴۸ قانون یادشده نیز در بیان موارد عزل قیم، ناموس، در همان سیاق به کار رفته، ولی منظور از هتك ناموس مشخص نشده است.

همچنین در ماده ۴۰۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸/۱۰/۴، ناموس به کار برده شده و مجازات تعرض به جان و ناموس مردم توسط اشرار مسلح، حبس دائم با کار یا اعدام مقرر شده است و به نظر می رسد خود همین مجازات شدید، قرینه‌ای است بر حمل واژه هتك ناموس بر

۱. ماده ۵: مرور زمان بر علیه کسانی که به علت خطر جانی یا ناموس و یا به علت مخاطره در اموال خود یا اقرباء نزدیک خود خود نتوانسته‌اند اقامه دعوا نمایند، جاری نمی شود مگر بعد از زوال مانع.

۲. ماده ۲۳۲ - هر نظامی که هتك ناموس نظامی دیگری را بنماید، از خدمت نظام اخراج و مطابق مقررات قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد.

معنای واقعه و تجاوز جنسی.

در ماده ۲۴ لایحه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۵/۲۰، نیز مجازات جرم‌های هتك شرف و ناموس و امثال آن، توسط روزنامه‌ها یا مجلات، بیان شده است. در ماده ۲۰ و ۳۰ لایحه قانون مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ نیز ناموس به همین روال به کار برده شده و به همین جرم، با همان مجازات اشاره شده است. روشن است که هتك ناموس در این عبارت، به معنای «استناد عمل منافی عفت» است؛ چون هتك ناموس توسط روزنامه‌نگار و انتشاراتی، از طریق نشر، معنایی غیر از این ندارد.

در ماده واحده لایحه تشدید مجازات سارقین مسلح مصوب ۱۳۳۳/۴/۲۵، حکم هتك ناموس در موقع سرقت، بیان شده و در تبصره یک این ماده واحده، افرادی را که در مقام دفاع از مال یا جان یا ناموس، مرتکب قتل یا جرح یا ضرب سارقین بشوند، از مجازات معاف نموده است. بنابراین، در ماده واحده یادشده، دفاع در مقابل هتك ناموس، معنای مطلقى داشته و از همین رو، هتك ناموس، افزون بر واقعه، مواردی همچون تقبیل و لمس را هم دربرمی‌گیرد.

ماده واحده قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف مصوب ۱۳۳۵/۹/۶ نیز برای راننده‌ای که به قصد قتل، یا سرقت اموال و یا هتك ناموس، مرتکب ربودن شخص یا اشخاصی که در آن وسیله نقلیه است، بشود، در صورت وقوع قتل، حکم اعدام و در صورت وقوع سرقت و یا هتك ناموس به عنف، حبس ابد و در صورت شروع به این جرم‌ها، حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال در نظر گرفته است. در این مواد قانونی نیز تعریف روشنی از ناموس و هتك ناموس نیامده ولی اطلاق آن، مواردی همچون

۱. ماده ۲۴: هر يك از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افتراء و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت‌های توهین‌آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتك شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید، می‌تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادگاه شکایت نماید. مرتکب به ۲ ماه تا ۶ ماه حبس تادیبی و از يك هزار ریال تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد.

مواقعه، تقبیل و لمس را شامل می‌شود.

یکی از کاربردهای مهم ناموس توسط قانون‌گذار، به کار بردن آن، در بحث دفاع مشروع است که شاید شایع‌ترین کاربرد آن در قانون باشد و مهم‌ترین آثار نیز بر آن مترتب است. ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۲/۱۱، عمل کسی را که در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری، در برابر هر گونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب الوقوع برآید، با وجود شرایطی، معاف از تعقیب و مجازات می‌داند و در تبصره این ماده قانونی، دفاع از نفس، ناموس، عرض یا مال و یا آزادی تن دیگری را در صورتی جایز می‌داند که او ناتوان از دفاع بوده و تقاضای کمک کند و یا در وضعی باشد که امکان استمداد نداشته باشد. در ماده ۴۴ همین قانون، مقاومت با قوای انتظامی را در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع نمی‌داند، ولی در صورت خروج از حدود وظیفه خود و وجود خوف از قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس، به واسطه عملیات آنان، دفاع را جایز می‌داند.

در ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱/۷/۲۱ نیز واژه ناموس به کار برده شده که این ماده قانونی، دقیقاً مشابه ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۲/۱۱ می‌باشد. ماده ۳۴ این قانون نیز عیناً مشابه ماده ۴۴ همان قانون است. این ویژگی‌ها به صورت دقیق عیناً در ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸، تبصره آن و نیز ماده ۶۲ آن تکرار شده است. همچنین این رویه، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیز بعینه تکرار شده است. ماده ۱۵۶ این قانون نیز دقیقاً مشابه ماده ۴۳ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۲/۱۱ می‌باشد که مطابق آن، عمل شخصی که در مقام دفاع از نفس، جان، مال یا ناموس خود و یا دیگری، مرتکب قتل یا جرح شود، در صورت وجود شرایط خاص، مشروع و معاف از مجازات تلقی شده است.

از این عبارات می‌توان به این نکته پی‌برد که قانون‌گذار، ناموس را در مفهومی، غیر از مفهوم مصطلح امروزی، یعنی بستگان اناث فرد به کار برده و در برخی موارد، اساساً آن را چیزی، غیر از شخصیت انسانی قلمداد نموده‌است. برای فهم مقصود قانون‌گذار، از وضع این واژه در این مقام، باید به قوانین پیشین رجوع کرد. ماده ۱۵۷ قانون فوق نیز، دقیقاً مشابه ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲/۲/۱۱ می‌باشد.

بدین ترتیب باید مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون فوق را چنین تفسیر نمود که اگر کسی قصد تعدی به دیگری، از طریق بی‌آبرو کردن وی، به وسیله تماس جنسی داشته باشد، عمل حمایتی فرد از شخص مورد تهاجم، دفاع مشروع تلقی خواهد شد. در مبحث مربوط به محاربه نیز در ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱، ناموس در کنار عبارات جان، مال و عرض به کار رفته که مؤید برداشت اخیر در خصوص مقصود قانون‌گذار است.

در ماده ۴ قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص، مصوب ۱۳۵۳/۱۲/۱۸، ناموس، در هیچ‌یک از معانی پیشین به کار برده نشده و در مقام بیان مجازات کسانی که در حین سرقت، مرتکب یکی از افعال نامشروع می‌شوند، بعد از بیان عبارت لواط، هتک ناموس مطرح شده که ظاهراً مقصود از آن، انجام اعمال منافی عفت، غیر از لواط، از قبیل تفخیذ و ملاسمه از روی شهوت و یا حتی زنا، است. مطابق همان ماده قانونی، مجازات مرتکب با وجود شرایط خاصی، اعدام یا حبس دائم در نظر گرفته شده‌است.

مطابق ماده ۳۲۸ قانون اصلاح قسمتی از قانون دادرسی و کیفر ارتش و نسخ بعضی از مواد قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۴/۴/۱۸، برخی نظامیان، از جمله نظامیان مسلحی که با تبانی قبلی به جان یا ناموس مردم تعدی و تجاوز نموده، یا مرتکب غارت و یا تخریب اموال متعلق به مردم شده‌باشند، به اعدام محکوم شده‌اند. در این قوانین نیز، مراد از ناموس به صورت دقیق مشخص نشده و کاربرد مطلقی دارد.

ماده ۹۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸، قتل عمد را در موارد خاصی، به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد، جایز شمرده که از جمله آن موارد، دفاع در مقابل کسی است که در صدد هتك عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید. از کلمه «به اکراه» می توان استنباط کرد که مراد از هتك ناموس در اینجا، عمل منافی عفت می باشد. کلمه عرض نیز در کنار ناموس، قرینه دیگری است بر این که مراد، عمل منافی عفت می باشد.

مطابق ماده ۱ قانون خدمت وظیفه عمومی مصوب ۱۳۶۳/۷/۲۹، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی و نظام جمهوری اسلامی ایران و جان و مال و ناموس مردم، وظیفه دینی و ملی هر فرد ایرانی شمرده شده است. در این ماده، که در مقام بیان شمول افرادی ناموس است، نه شمول فعلی آن، افراد و مصادیق ناموس به طور دقیق تبیین نشده است. در ماده ۱۸ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۷ نیز این واژه به کاربرده شده است. در ماده ۳۳ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۹ نیز مشابه همین تعابیر به کار برده شده است. در هیچ کدام از این قوانین، دایره شمولی واژه ناموس، به طور دقیق مشخص نشده است.

ماده ۶۲۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲، از جمله مواردی که دفاع را صادق می داند، خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال است که مستند به قرائن معقول باشد و مطابق ماده ۶۲۹ این قانون، با وجود شرایطی، قتل عمدی به شرط آن که دفاع متوقف بر آن باشد، مجازات نخواهد داشت که از جمله آن، دفاع از هتك ناموس خود، اقارب و نیز ناموس دیگری است. در این ماده قانونی نیز مراد از واژه ناموس و همین طور اصطلاح هتك ناموس بیان نشده است. در بند «ز» ماده ۱۲۷ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی

ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰، از جمله موارد شهید محسوب شدن کارکنان نیروهای انتظامی را، کشته شدن آنان، توسط متجاوزان به جان، مال و ناموس مردم بیان می‌دارد.

در ماده ۱۲۴ منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه ۵۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در بیان حقوق و مسئولیت‌های زنان در امور دفاعی- نظامی، به حق و مسئولیت زنان در دفاع مشروع از دین، کشور و نیز جان، مال و ناموس خود و دیگران اشاره شده و در ماده ۱۲۶ آن منشور، حق برخورداری زنان، از حمایت‌های لازم به منظور حفظ تمامیت جسمانی و جلوگیری از هتک حیثیت و ناموس آنان در دوران جنگ، اسارت و اشغال نظامی مورد تأکید قرار گرفته‌است. در این مورد و مورد پیشین نیز تعریف دقیقی از ناموس و نیز هتک ناموس ارائه نشده‌است.

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نیز چنان‌که پیش‌تر نیز بیان شد، قانون‌گذار، از سلف خود پیروی کرده و از قصدکردن و هتک ناموس، معنای اخص آن را که همان عمل جنسی می‌باشد، اراده کرده‌است. مطابق ماده ۲۷۹ این قانون، محاربه عبارت است از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنها، به نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. در این ماده قانونی، ناموس در کنار عبارات جان، مال و عرض به کار رفته که مؤید برداشت اخیر در خصوص مقصود قانون‌گذار است. در مبحث مستثنیات ضمان قانون فوق نیز واژه ناموس، به همان شکل به کار رفته‌است. طبق ماده ۵۱۰ این قانون، هرگاه شخصی با انگیزه احسان و کمک به دیگری، رفتاری را که به جهت حفظ مال، جان، عرض یا ناموس او لازم است، انجام دهد و همان عمل موجب صدمه و یا خسارت شود، در صورت رعایت مقررات قانونی و نکات ایمنی، ضامن نیست. در موارد فوق نیز، دایره افرادی که واژه ناموس، آنها را در بر می‌گیرد، مشخص نشده‌است.

۶. تحلیل و بررسی مفهوم ناموس

واکاوی ریشه لغوی واژه «ناموس» نشانگر این است که این واژه، واژه عربی است از ریشه‌ی نَمَس، که در لغت به سه معنای سَر، رنگ تیره و فساد به کار رفته است و در صورت اضافه شدن به انسان، به معنای صاحب سَر می‌باشد. این واژه در آیات و روایات فقهی استفاده نشده و در متون فقهی عربی نیز اثری از آن دیده نمی‌شود و در نتیجه می‌توان گفت دارای حقیقت شرعی و یا حتی متشرعه نمی‌باشد. اما در متون فقهی و حقوقی فارسی و در نصوص قانونی مختلف در موارد متعدد به کار رفته که هم از جهت شمول فعلی و هم از جهت شمول افرادی، حدود آن به صورت کامل و دقیق، تبیین نشده است، ولی به هر روی، در اغلب موارد، به لحاظ فعل، ناموس، در معنای «عورت» به کار رفته و هتک ناموس در مفهوم «موقعه» استعمال گردیده است و به لحاظ افراد و مصادیق، واژه ناموس، در معنای بستگانِ اِناث نسبی و سببی و گاه علاوه بر آن، در معنای بستگان ذکور نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تعبیر هتک ناموس نیز همچنان که اشاره شد، در متون یادشده، در معنای ارتکاب عمل جنسی نامشروع یا متهم‌سازی فرد به ارتکاب این عمل، به کار برده شده است. با توجه به این که واژه ناموس، ریشه عربی داشته و در کاربردهای عربی و فارسی به دو گونه متفاوت، به کار برده شده که قدرجامعی بین آنها قابل تصور نیست، بنابراین، به کارگیری آن در متون سرنوشت ساز حقوقی، شکل یک تعبیر تسامحی را به خود می‌گیرد که لازم می‌نماید قانون‌گذار در مرحله قانون‌گذاری، از به کار بردن آن اجتناب نموده یا مقصود خود از مصادیق آن را به صورت روشن بیان نماید.

نتیجه‌گیری

با بررسی موارد کاربرد ناموس در متون فقهی، حقوقی و قانون ایران روشن شد که این واژه در متون یادشده، در مفاهیم، مصادیق و کاربردهای

متعددی به کار برده شده است.

این واژه نه تنها در روایات فقهی، بلکه در عبارات فقهای متقدم نیز به چشم نمی خورد و به جای آن، معادل آن - «حرم» یا «حریم» - را به کار برده اند و فقهای متأخر و معاصر، در تعریف آن، نظر یکسانی ندارند؛ برخی، آن را بستگان اناث نسبی و سببی مرد، از قبیل زن، مادر، خواهر و دختر دانسته اند و برخی دیگر، آن را به بستگان ذکور، مانند پسر و... و برخی دیگر، به هر کسی که با انسان مرتبط باشد، تعمیم داده اند. برخی نیز آن را به حیثیت، آبرو و پاکدامنی تفسیر کرده اند و در نهایت برخی فقها، این اصطلاح را در ابواب مختلف فقهی آورده اند و دفاع از ناموس را جزو واجبات مسلم دین دانسته اند، بدون تبیین محدوده شمولی آن.

در منابع حقوقی نیز دیدگاه یکسانی وجود ندارد و تعریف های ذیل در مورد مفهوم آن به چشم می خورد:

۱- تعریف ناموس، به زنان خانواده، اعم از همسر، مادر، خواهر و دختر و تعریف تعرض به ناموس، به تجاوز به زنان خانواده؛ در عین حال که تجاوز به برادر و پسر شخص نیز تجاوز به ناموس تلقی شده است.

۲- تعریف ناموس، به عفت خود انسان یا عفت خانوادگی او و تعریف تعرض به ناموس، به عمل منافی عفت، اعم از ملامسه و رابطه نامشروع جنسی، بدون پرداختن به مصادیق آن.

۳- اعتباری دانستن تجاوز به ناموس که با توجه به خصوصیات نژادی، قومی و آداب و رسوم ممکن است مصادیق مختلف داشته باشد.

۴- برخی منابع حقوقی ظاهرا معنای آن را جزو بدیهیات دانسته و هیچ توضیحی درباره آن نداده اند.

در قوانین موضوعه ایران نیز در مواد قانونی مختلف، کاربردهای متفاوتی از اصطلاح ناموس و همین طور هتک ناموس، منظور شده است که از بررسی آنها مفاهیم و مصادیق ذیل به دست می آید:

- ۱- اطلاق ناموس، به اعم از زن و مرد.
- ۲- مترادف دانستن هتک ناموس با واقعه و تقسیم آن، به دو نوع همراه با تهدید و بدون آن.
- ۳- اطلاق هتک ناموس، به اموری از قبیل ملامسه از روی شهوت و...
- ۴- اطلاق هتک ناموس به وارد کردن اتهام جنسی به بستگان اناث مرد.
- ۵- در بسیاری از مواد قانونی نیز ناموس و تعرض به ناموس به کار برده شده، بدون اشاره به دایره شمولی آن.

از بررسی کاربردهای مختلف ناموس در متون یادشده، روشن می شود قدر متیقن- به معنای مصداق حداقلی و مورد قبول همگان- از مفهوم ناموس در این متون، بستگان اناث سببی و نسبی انسان مانند همسر، مادر، دختر و خواهر است؛ گرچه به صورت نادر، به شمول آن، به بستگان ذکور نیز اشاره شده است. برخی فقها و حقوق دانان نیز آن را به معنای شرف، عصمت، حیثیت، آبرو و پاکدامنی زن دانسته اند. هم چنین قدر متیقن از مفهوم هتک ناموس یا تعرض به ناموس، انجام عمل منافی عفت (واقعه) با بستگان اناث فرد است؛ گرچه در برخی کاربردها به اموری از قبیل ملامسه از روی شهوت و... نیز توسعه داده شده است و در برخی کاربردها، به تجاوز به برادر و پسر شخص نیز توسعه داده شده است.

پیشنهادهات

- ۱- پیشنهاد جدی تحقیق حاضر، اجتناب قانون گذار از به کار بردن واژه ناموس در مواد قانونی کیفری و مدنی و غیر آن، بدون تعیین دقیق مصادیق آن است؛ چراکه از یک سو، این واژه عربی دارای اشتراک لفظی بوده و طبق موازین ادبی و اصول فقهی، استعمال مشترک لفظی، بدون قرینه معین، نادرست است و عبارت را دچار اجمال می نماید. به دیگر سخن، اشتراک لفظی منشأ اجمال در تعبیر شده و بدیهی است که مراد قانونگذار با لفظ

مجمّل، قابل فهم و تفسیر نخواهد شد. از سوی دیگر، در زبان فارسی، واژه ناموس، کاربرد مجزایی پیدا کرده و برای آن، معانی متعدد و در عین حال، غیرقابل جمع، مطرح گردیده است و طبیعی است که این امر، مقصود گوینده از لفظ را مبهم سازد.

۲- پیشنهاد دوم تحقیق حاضر، تصویب قانون ماده واحده تعریف ناموس در قوانین کیفری و مدنی، توسط قانونگذار ایران می باشد تا ابهام و اجمال موجود در مفهوم آن برطرف گردد.

منابع و مأخذ:

الف) کتب

قران کریم.

- ابن اثیر جوزی، مبارک بن محمد؛ النهاية فی غریب الحديث و الاثر؛ قم: اسماعیلیان، بی تا.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی؛ مناقب آل ابی طالب؛ قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
- ابن طاووس حلی، رضی الدین؛ رسالة الموسوعة والمضایقة؛ قم: دلیل ما، ۱۴۲۹ ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا؛ معجم مقاییس اللغة؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ ق..
- اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی؛ تهران: میزان، ۱۳۸۹ ش.
- اسماعیل بن عباد، صاحب بن عباد؛ المحيط فی اللغة؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
- امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی؛ تهران: انتشارات اسلامی، بی تا.
- بحرانی، سید هاشم؛ مدینه معاجز الائمة الاثنی عشر؛ قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ تهران: دنیای دانش ۱۳۸۲ ش.
- جناتی شاهرودی، محمد ابراهیم؛ منابع اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی؛ بی جا: بی تا، ۱۳۶۷ ش.
- جوهری، إسماعیل بن حماد؛ تاج اللغة و صحاح العربیة؛ بیروت: دار العلم، ۱۴۱۰ ق.
- حائری مشهدی، محمد بن جعفر؛ المزار الکبیر؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ هدایة الامة الی احکام الائمة؛ مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
- حسینی تهرانی، سید محمدحسین؛ ولاية الفقیه فی حکومت الاسلام؛ بیروت: دار الحجة

البيضاء، ۱۴۱۸ ق.

- حلی، حسن بن یوسف؛ قواعد الاحکام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- خمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم؛ بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۰ ق.
- خمینی، سید روح الله؛ نجات العباد؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۲ ق.
- دزفولی، مرتضی بن محمد؛ کتاب المکاسب (محشی کلانتر)؛ قم: دار الکتاب، ۱۴۱۰ ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ ش.
- رضی، محمد بن حسین؛ المجازات النبویه؛ قم: دار الحديث، ۱۳۸۰ ش.
- زمخشري، محمود بن عمر؛ اساس البلاغة؛ بیروت: دار صادر، ۱۹۷۹ م.
- زمخشري، محمود بن عمر؛ الفائق فی غریب الاثر؛ بیروت: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۷ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین؛ تهران: کتاب فروشی مرتضوی، ۱۴۱۶ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- عاملی استرآبادی، محمدامین؛ الفوائد المدنیة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۶ ق.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی؛ الدروس الشرعیة؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- عاملی (شهید ثانی)، زین الدین؛ مسالک الأفهام؛ قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ ق.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد؛ جامع المسائل؛ قم: امیر قلم، بی تا.
- فاضل هندی اصفهانی، محمدحسن؛ کشف اللثام؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶ ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ قم: هجرت، ۱۴۱۰ ق.
- فیاض کابلی، محمد اسماعیل؛ مناسک حج؛ قم: دفتر آیه الله فیاض کابلی، ۱۴۲۳ ق.
- فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر؛ قم: دارالرضی، بی تا.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- گلدوزیان، ایرج؛ حقوق جزای عمومی ایران؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ ش.
- مجلسی، محمدباقر؛ مرآة العقول؛ قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمدباقر؛ ملاذ الاخیار؛ قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
- مرتضوی لنگرودی، سید محمدحسن؛ توضیح المناسک؛ قم: دفتر آیه الله مرتضوی لنگرودی، ۱۴۲۳ ق.
- مرعشی شوشتری، سید محمدحسن؛ دیدگاه های نو در حقوق؛ تهران: نشر میزان، ۱۴۲۷ ق.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (فقه و حقوق)، قم: صدرا، بی تا.
- منتظری، حسینعلی؛ کتاب الحدود؛ قم: دار الفکر، بی تا.

منتظری، حسینعلی؛ مبانی فقهی حکومت اسلامی؛ قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ق.
 میرمحمد صادقی، حسین؛ جرایم علیه اشخاص؛ تهران: میزان، ۱۳۸۹ ش.
 نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
 نوربهار، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی؛ تهران: گنج دانش، ۱۳۸۴ ش.
 هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ بایسته‌های فقه جزا؛ تهران: دادگستر، ۱۴۱۹ ق.
 هاشمی شاهرودی، سید محمود (جمعی از پژوهشگران زیر نظر هاشمی شاهرودی)؛ فرهنگ فقه اسلامی مطابق مذهب اهل بیت (ع)؛ قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ۱۴۲۶ ق.

ب) مقالات

قانع‌ی راد، صدیقه؛ «بررسی فقهی حکم قتل در مقام دفاع از ناموس یا ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی»؛ فقه و تاریخ تمدن، شماره ۲۱، سال ششم، ۱۳۸۸ ش.

ج) قوانین و مقررات

آیین نامه تعیین و احراز مصادیق عملی شهید، مصوب ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳ هیأت وزیران.
 قانون مطبوعات؛ مصوب ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ مجلس شورای ملی.
 قانون تشکیل ایالات و ولایات و دستورالعمل حکام؛ مصوب ۱۷ آذر ۱۲۸۶ مجلس شورای ملی.
 قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه؛ مصوب ۲۷ تیر ۱۲۹۰ مجلس شورای ملی.
 قانون مجازات عمومی؛ مصوب ۲۳ دی ۱۳۰۴ مجلس شورای ملی.
 قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان؛ مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۶ مجلس شورای ملی.
 قانون محاکمات نظامی؛ مصوب ۳۰ تیر ۱۳۰۷ مجلس شورای ملی.
 قانون نظامنامه اجرای ماده ۷ قانون محاکم شرع؛ مصوب ۹ آذر ۱۳۱۰ مجلس شورای ملی.
 قانون اصلاح مواد ۲۰۷ الی ۲۱۴ قانون مجازات عمومی؛ مصوب ۲۹ شهریور ۱۳۹۰ (ماده واحده).
 قانون مدنی؛ مصوب ۵ آبان ۱۳۱۴ مجلس شورای ملی.
 قانون دادرسی و کیفر ارتش؛ مصوب ۴ دی ۱۳۱۸ مجلس شورای ملی.
 قانون مطبوعات؛ مصوب ۲۰ مرداد ۱۳۳۱ مجلس شورای ملی.
 قانون تشدید مجازات سارقین مسلح؛ مصوب ۲۵ تیر ۱۳۳۳ (ماده واحده).
 قانون مطبوعات؛ مصوب ۱۳۳۴ مجلس شورای ملی.
 قانون تشدید مجازات رانندگان متخلف؛ مصوب ۶ آذر ۱۳۳۵ مجلس شورای ملی.
 قانون مجازات عمومی، مصوب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۲ مجلس شورای ملی.

قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص؛ مصوب ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۳ مجلس شورای ملی.
قانون اصلاح قسمتی از قانون دادرسی و کیفر ارتش و نسخ بعضی از مواد قانون مجازات عمومی؛ مصوب ۱۸ تیر ۱۳۵۴ مجلس شورای ملی.
قانون مجازات اسلامی؛ مصوب ۲۱ مهر ۱۳۶۱ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
قانون مجازات اسلامی؛ مصوب ۱۸ مرداد ۱۳۶۲ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.
قانون خدمت وظیفه عمومی؛ مصوب ۲۹ مهر ۱۳۶۳ مجلس شورای اسلامی.
قانون مجازات اسلامی؛ مصوب ۸ مرداد ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی.
قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۷۱ مجلس شورای اسلامی.
قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) (تعزیرات و مجازات های بازدارنده)؛ مصوب ۲ خرداد ۱۳۷۵ مجلس شورای اسلامی.
قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح؛ مصوب ۹ دی ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی.
قانون استخدام نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۲۰ اسفند ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی.
قانون مجازات اسلامی؛ مصوب ۱ اردیبهشت ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی.
منشور حقوق و مسئولیت های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۳۱ شهریور ۱۳۸۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی